قاطع هروى ، دوست محمد مصور

در سده دهم هجری: میر محمد باقر

مجلد ، یاری مذهب هروی ، مظفر علی

بدخشی ، قاسم مذهب ، علی قاطع

محمد حسين يزدى ، ملا محمد تّقى

عباس آقا ، عبدالصمد لله باشي ، محمد

الصنايع بلخى و ميرزا احمد

لهستان ، سویس ، فرانسه ،

ایتالیا و آمریکا را می توان نام

هرو*ی* پسر او .



بند تسبیح پاره می شود دانه های سفید و درخشان تسبیح یکی یکی روی پتوی خاکستری کف سنگر غلت می خورد پیرمرد زیر لب می گوید این هم از سوغات مکه حاج خانم و شروع می کند به جمع کردن دانه های تسبیح . یکی از دانه ها نیست . رفته زیر ملافه ایی که روی شهیدی کنار سنگر کشیده شده است . دلش نمی آید ملافه را کنار بزند ، با صدای خمپاره ایی سنگر و زمین و زمان می لرزد . ملافه از روی دست راست شهید کناری می رود . آخرین دانه تسبیح زیر دست شهید است . انگشترش چه قدر آشنا سنت. انگشتر عقیقی که نام پنج تن روی آن حک شده . پرده جلوی در سنگر کناری می رود صدای رضاست. آرام و متين سلام مي كند.

آخرین دانه تسبیح

- سلام آقاجون بيا اين هم آخرين دانه تسبيح حاج پیرمرد دستش را باز می کند دانه تسبیح را نگاه مى كند سرش را كه بلند مى كند نه رضا هست و نه

آن دانه تسبیح زیر دست شهید . آخرین دانه تسبیح در دست پیرمرد نورافشانی مى كند . داستان كوتاه-سميه باستين-دانشگاه ييام

اهشب ای ماه به درد دل من تسکینی

آخر ای ماه توهمدرد من مسکینی

کاهش جان تو من دارم و من می دانم

کہ تو از دوری خورشید چہ ھا می بینی

تو هم ای بادیہ پیمای محبت چون من

سر راحت ننهادی بہ سر بالینی

هر شب از حسرت ماهی من و یک دامن اشک

تو هم ای دامن مهتاب پر از پروینی

همه در چشمه مهتاب غم از دل شویند

امشب ای مہ تو هم از طالع من غمگینی

من مگر طالع خود در تو توانم دیدن کہ توام آینہ بخت غبار آگینی

تو چنین خانہ کن و دل شکن ای باد خزان

گر خود انصاف کنی مستحق نفرینی

کی بر این کلبہ طوفان زدہ سر خواهی زد

ای پرستو کہ پیام آور فروردینی

شهریارا اگر آئین محبت باشد

چہ حیاتی و چہ دنیای بھشت آئینی! استاد شهريار

كاغذبرى ياچنان كه معروف زمان هاي پیشین بوده ، قطاعی از هنر های دستی و کهن ایران زمین بوده است که اکنون عده کمی از تاریخچه و سرنوشت آن آگاه

کاغذ بری یکی از رشته های ظریف کاغذ و کاغذ بری یکی از قطاعی مین الماره کی از قطاعی مین کاغذ ساده با رنگت و نقش را با هنری است که در آن پس از طراحی بر روى كاغذ ساده يا رنگين ، نقش را با مقراض یا کارد مخصوص (شفره) آن چنان با دقت و ظرافت بریده ، از میان کاغذ درمی آورند که شکل اصلی خود را کاملا نگاه می داشت و با چسباندن آن در زمینه ایی به رنگ دیگر، خود را همچون قطعه ای خط خوش و یا نقاشی و حتی زیبا تر از آنها نشان می داد .

موضوع بيشتر اين بريده ها ؛ شكل جانوران ، گُل و برگ ها و نقش های هندسی یا خط های خوش بود و گاه در بریدن برخی طرح ها به ویژه در خطوط خوش ، این کار با چنان مهارتی انجام می گرفت که جای خالی آن نیز با قرار گرفتن در زمینه تیره یا روشن تر خود قطعه مستقل دیگری را

تشکیل می داد . با بررسی نمونه ها و نام و جای زندگی کاغذ بران گذشته ، چنین به دست می آید که رواج و گسترش این هنر در میان مردم شهرهای اصفهان، شیراز، تبریزو هرات بیش از جاهای ديگر ايران بوده است.

درباره پیدایش این هنر در ایران و سر چشمه های آن سه نظر می توان انگاشت : نخست بریدن لعبت ها و

المی سینه ای ده آتش افروز

هر آن دل را که سوز*ی* نیست دل نیست

دلم پر شعله گردان سینه پر دود

کرامت کن درونی درد پرور

به سوز *ی* ده کلا مم را روایی

دلم را داغ عشقی بر جبین نه

سخن کز سوز دل تا بی ندار د

دلی افسرده دارم سخت بی نور

بده گرمی دل افسر ده ام را

به راه این امید پیچ در پیچ

به نقل از کتاب هنر کاغذبری در ایران

ملاقاطعي هروي. ▶ کاغذ بری یکی از رشته های ظریف هنری است که در تبریزی ، میر داور کیا و مرادالعباسی آن پس از طراحی بر روی کاغذ ساده یا رنگین ، نقش در سده دو ازدهم هجرى: على قلى ماهر را با مقراض یا کارد مخصوص (شفره) آن چنان با دقت منّانی و ظرافت بریده ، از میان کاغذ در می آورند در سده سیزدهم هجری : میرزا محمد على سنكلاخ خراساني، ميرزا

آشنایی با هنر

های جلدهای سوخت و ضربی و سوم ورود آن از سرزمین دیگری به ایران

بار، در سده نهم هجری در میان ایرانیان ، با افسوس باید گفت: از همان آغاز کار، در سنجش با هنرهای ديگر، به اين هنر ظريف توجه لازم مبذول نگردیده و چنان که می بایست بدان ارج نهاده نشده است . با این که در این رشته ، هنرمندان چیره دست

در آن سینه دلی آن دل همه سوز

دل افسر ده غیر از آب و گل نیست

دلی در وی درون درد و برون درد

زبانم کن به گفتن آتش آلود

کز آن گر می کند آتش گدایی

زبانم را بیانی آتشین ده

چکد گر آب از آن آبی ندار د

چراغی زو به غایت روشنی دور

برافروزان چراغ مرده ام را

مرا لطف تو می باید دگر هیچ

دارویی شروع شد ، دیگر حملات تشنج را نداشت و

دانست که تشنج یعنی "قسمتی از مغز به صورت یکباره

و ناگهانی و خودبخود فعال و پرکار شود و این باعث

می شود که فرد دچار حرکات غیرارادی شود و یا

تشنج علت های مختلف دارد. ضربه های مغزی، کمبود

بعضى از مواد خون مثل كلسيم ، عفونت ها، تب و ...

در بسیاری از موارد علتی برای آن پیدا نمی شود که در

این صورت به آن «صرع اولیه» گفته می شود. صرع

انواع مختلف دارد . تشنج از آغاز خلقت بشر وجود

داشته است . در زمان های قدیم اغلب مردم تصور

می کردند که این بیماران سحر و جادو شده اند یا جن

شكافتن جمجمه، خوراندن عصاره هاى مختلف، اخته

کردن و ...» برای آنها انجام می شد که تمام این کارها

بى فايده بوده است . در حال حاضر با پيشرفت هايى

که انجام شده ، این بیماری تا ۸۰ درصد موارد با درمان

دارویی قابل درمان است و در بقیه موارد در اکثر موارد

با مصرف دارو و در طولانی مدت تشنج ها کنترل خواهد شد. دانست که "... عده ای حتی بزرگان تاریخ

مبتلا به این بیماری بوده اند و با وجود این

توانسته اند آنقدر موفق باشند که نام و یادشان در

خاطره ها و کتاب ها بماند و اینکه باید بیماری اش را

بشناسد تا بتواند زندگی معمول و سرشار داشته

باشد . دانست که می تواند درس و دانشگاهش را ادامه

دهد ، كار مناسب داشته باشد، ازدواج كند ، بچه دار

شود و دانست که «صرع قابل درمان

ند با عقوبت گناهی است ...، به همین دلیا روش های درمانی عجیب از جمله «ورد خواندن،

د هوشیاری خود را موقتاً از دست بدهد.

سردي

با ییدایش هنر کاغذ بری برای نخستین سرگذشت آن آگاه است .

فیگورهای چرمی و مقوایی « سایه و ماهری پدید آمده اند ، لیک شماره نظام افشار ارموی. بازی ، دوم بریدن و چسباندن چرم نمونه کارهای آنان بس اندک است و در سده چهاردهم هجری : ابراهیم ، همین نشان می دهد که در این زمینه آن گسترش و توجه بایسته روی نداده مهدی شریف شیرازی ، ملا محمد علی است و بزرگان و هنر شناسان زمان ، چنان که می بایست از آن حمایت و تهرانی گذشته از ایران ، در برخی از پشتیبانی نکرده اند و به ناچار کاربرد کشورهای جهان ، هنر کاغذبری ،

J. 12 J. 1979

گسترده ای میان مردم نیافته و کم کم از دیده ها افتاده و فراموش گردیده است و اینک ؛ امروزه کمتر هنرمندی دست به کاغذ بری می زند ویا از هنرمندان کاغذبری که در ازای برد.



امید دیدار و دگر هیچ

وصال روی دلدار و دگر هیچ

در این آشفته بازاری که هالم

مرا دیرینه دردی آتشین کام شده قسمت ز بازار و دگر هیچ نغان و ناله شبگیر ما را

که افتادم چنین زار و دگر هیچ و چون لیلی پی مجنون فتادم نه زندانی اسفبار ودگر هیچ

مرا زین زندگی خالص ، دلی بود دلی کان بر دعیارو دگر هیچ مرا هر شاخ مژگان غمزه ای بود

دو دلجو مهربان کی دیده گردون

زغربت کنج دیوار و دگر هیچ سراپا حسرتم زین خیمه تنگ که زد غم بر دل زار و دگر هیچ ز نام نیکت ای آهوی وحشی لیم گردیده سرشار و دگر هیچ



عشق را در تو آموختم ودر کلبه تنهایی خود قطره ای رادریاساختم در گرمایش سوختم ودر خلوت سكوت شب تنهايي راأموختم ودر روشنایی ماه به سوی تک ستاره ی تو گریختم ودر پشت چهره ی معشوقم عشقی دیگر دیدم ودر همان کلبہ تنهایی بہ آهستگی گریستم دخترك در همان سكوت تنهايي شب ، رخت بربست و معشوقش را در پشت همان تك ستاره آرام رها كرد. تا به یگانه تنهایی ، تنهایی ها رسید.

خزان شد گلشن و خار و دگر هیچ اگر افتد به دستم اختیاری مرا امید دیدار و دگر هیچ

غم یار و غم یار و دگر هیچ

مريم شريفي

حسنیہ محمودی-کلاس دوم ادبیات

وقتی که زمین خورد هیچ چیز نفهمید، وقتی هم که بیدار شد چیزی به خاطر نداشت ، فقط دید که توی پیاده رو افتاده و مردم دورش جمع شده اند و هر كدام چيزي مي گويند و لباس هايش خاكى شده و كيف و وسايلش هر كدام به گوشه ای پرت شده بود . این



دفعه شانس آورده بود ، دفعه قبل که اينطور شده بود، صورتش به لبه جدول خیابان خورده و کبودی آن تا مدت ها روی صورتش بود. بار اول و دوم

این او اخر هفته ای یک بار این حملات را داشت . مشکلش چی بود ، نمی دانست ولی متوجه شده بود که از وقتی که این مشكل را پيدا كرده بود ، رفتار بقيه تغيير كرده است ، حتى دوستانش كمتر با او رفت و آمد می کنند و یا با دلسوزی با او برخورد می کردند. ولی مگر چه شده بود؟ ! ... از همه بدتر اینکه می گفتند که دیگر لازم نیست درسش را ادامه دهد چون نمی تواند به دانشگاه برود!!؟ اگر نتواند دا نشگاه برود و یا کار پیدا کند تكليف خرجى خانه چه مى شود؟!! می گفتند زار.... تشنجصرع.....

خدا را شکر، بعد از اینکه نوار مغزی و آزمایشات لازم را انجام داد و درمان

انتشار لوح های تصویری اشعار "محمد على بهمني"

اشعار ياد شده از مجموعه چتر براي چه ؟ خيال كه خيس

نمی شود گزیده شده و در دسترس علاقمندان قرار خواهد

تا كنون چندين مجموعه كتاب وكاست از اشعار و سروده

های این شاعر گرانقدر ساکن بندر عباس انتشار یافته که

با استقبال جامعه فرهنگی و هنری کشور نیز مواجه شده



با علاقہ با عشق لوح های تصویری و بہ تماشای خدا می مانم غزلسراي نامي "محمد على بهمنى أنتشار

اشعار مزبور با

بہ ستارہ پرواز

کاسہ ای آب خنک می بخشم کہ بہ بالای درخت بوسہ است

بعد دریك فرصت

می نشینم وسط دوضچہ گندمزار لای بوی علف ونور وصدا با تمام حسم

ا ···—·· دعا ···—·· ا

ماه را می بوسم

بہ پرندہ پرواز و بہ گلدان گل عباسی

با تمام شوقم بہ نیایش

بہ دعا می مانم

سالن زیبایی ملودیا

یک ترانہ خوبی مهربانی ها را بغل می گیرمو هوارا داخل پنجره ها خواهم برد

لوستر <u>رانگین کمان</u> عرضه كننده شیکترین مدلهای لوستر و آئينه شمعدان

آدرس : بندرعباس / چهار راه سازمان / جنب بانك تجارت تلفن: ۲۲۲۱۶۱۸ - ۹۱۷۳٦۱۱۲۳۵

شینیون با موهای اضافه- بافت آفریقایی بہ سبك های مختلف اکستنش مو- انواع رنگ هایلایت - سان لایت مووی لایت- هاف لایت - میکاپ های مینیاتوری خلیجی- کوپ های فانتزی و پاکسازی پوست-شمع صورت - ایپلا سیون - انواع

گریم عروس همراه با نمونه کار - طراحی ◄ آدرس: روبروى اتكا ، جنب پارك صفا، سمت چپ ساختمان آيدين - تلفن ٦٦٨٢٩٠٢

بورس انواع لوازم برقي، صنعتي و خانگی سیم کشی و تعميرات برق ساختماني یذیرفته می شود **آدرس: بلوار امام حسین، مغازه های تجاری** همراه: ۹۱۷۳۶۷۰۴۸۰ تلفن: ۳۳۵۱۱۰۰

آژانس تاکسی تلفنی شبانہ روزی ذوالفقار

با یک تماس مشترک ما شوید بندرعباس: بلوار مصطفی خمینی - پشت 450 ٪ واحدى اوقاف



تلفن : ۲--۶۶۷۹-۲۵۷۹ ج۶۶۷۹۵۰ ج۶۶۶ همراه: ١٩٥٠-١٩٤٤-

قابل توجہ :

(ساختمان سازان به ویژه انبوه سازان صنف پلاستیک فروش، كانكس سازان وسردخانه سازان) استان هرمزگان



اولین تولیدکٹندہ پلاستوقوم در چئوپ کشور

تولید کننده انواع بلوکهای سقفی و پانل های دیواری با پلاستوفوم از نوع كند سوز همچنين ورق هاى پلاستوفوم با سایزهای سفارشی از نوع معمولی مورد مصرف پلاستیک فروشی ها

هر كونه سفارشي يذيرفته مي شود

بندر عباس : چهار راه رسالت ساختمان تجاری بنیاد طبقه ۲ فوقانی رفاه واحد ۲۲۸ - تلفن: ٦٦٧٦٩٧٠-۰۹۱۷۳۰۱۰۹۲۲-۲۲۷۹۲۳۰ تلفکس: ۲۳۲۹۲۳۰



● انوامش مش ورنگ، هایلایت، لولایت، هافلایت ، و تنها مرکز صافی دائم موبا دیپلم از دبی

